

- پنجشنبه ۳ آذر ۱۴۰۱**
- سال سیزدهم - شماره ۲۴۵۰**

سپهرغرب، گروه خبر - سمیرا گمار، دوستان و هم‌زمان شهید چیت‌سازیان متفق القول هستند که سیر ماندگاری او شجاعت، تفکر و تدبیر و درعین‌حال مقامات عرفانی و اخلاقی بود. شهید «علی چیت‌سازیان» در سال ۱۳۴۱ در همدان متولد شد. شجاعت، تیزهوشی و توانایی جسمی از خصوصیات بارز دوران کودکی او بود و علاقه بسیاری به ورزش‌های رزمی داشت؛ پُرتلاش و با روحیه بود و ورودش به هنرستان با پیروزی انقلاب اسلامی مقارن شد و او هم مانند میلیون‌ها ایرانی در راه پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌های فراوانی کرد.

هم‌زمان با فرمان امام راحل مبنی بر تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی، از طریق هنرستان وارد بسیج شد و در پادگان آموزشی قدس همدان دوره آموزش‌های نظامی را گذراند. هوش و تکلیف‌ات او در کسب فنون نظامی به‌قدری بود که در مدت کوتاهی به‌عنوان فرمانده نیروهای آموزشی انتخاب شد و بعد از آن فرمانده مرکز آموزش نظامی شد. با آغاز جنگ تحمیلی و تجاوز دشمن یعنی به خاک وطن، با تشکیل و قبول فرماندهی گردان انصارالحسین (ع) و به عهده گرفتن مسئولیت آموزش جنگ‌های کوهستانی در این گردان به منطقه عملیاتی رفت و سپس با تشکیل لشکر انصارالحسین (ع) به‌عنوان فرمانده اطلاعات و عملیات این یگان برگزیده شد و نامش به‌عنوان یکی از شاهکارترین عناصر مکتب خمینی کبیر با امتزاج شجاعت و اخلاص ماندگار شد. درنهایت، در روز چهارم آذرماه سال ۱۳۶۶ در حین انجام یک مأموریت گشت شناسایی داغ او تا ابد بر دل انقلاب ماند.

با ذکر این مقدمه آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگو با سه تن از نیروها و هم‌زمان شهید علی چیت‌سازیان است که به ابعاد مختلف شخصیت و زندگی او پرداخته‌اند.

در میدان جنگ سرسخت بود، اما وقتی اسیر می‌آوردیم، طوری برخورد می‌کرد که افسر عراقی دلش نمی‌آمد از او جدا شود!
محسن جام‌بزرگ با اشاره به آشنایی خود با شهید علی چیت‌سازیان که باهم عقد اخوت بسته بودند، گفت: ارتباط ما به اوایل انقلاب برمی‌گردد، ایشان در زمره تظاهرات‌کنندگان علیه رژیم طاغوت بود و همدیگر را می‌دیدیم. بسیج که تشکیل شد، آنجا باهم حشر و نشر داشتیم، درواقع شهید چیت‌سازیان زیر نظر شهید حسن مرادی آموزش می‌دید و اغلب افرادی که در این گروه بودند، شهید شده یا در زمان جنگ مسئولیتی برعهده داشتند.

وی ادامه داد: سال ۱۳۶۲ پنده به‌عنوان یکی از نیروهای شهید چیت‌سازیان به قرارگاه اطلاعات عملیات تبپ انصارالاسین (ع) رقتم و تا سال ۱۳۶۵ کنار او بودم؛ بعد که غواصی تشکیل شد، به آنجا رفته.

هم‌زم شهید چیت‌سازیان تشریح کرد: یکی از خصوصیات بارز او شجاعت و ترس‌ی نبود، ضمن اینکه خودش مرد عمل بود و در هر کاری که می‌خواست در آموزش‌ها و نظایر این انجام دهد، پیشتاز بود و بعد از نیروهایش می‌خواست آن کار را انجام دهند، این‌طور نبود که فرمان بدهد این کار انجام شود و خودش دور بایستد.

وی گفت: او به حدی با بچه‌ها مأنوس بود که خیلی‌ها علی صدایش می‌کردند، این‌قدر محبوب بود که نیروهایش شیفته او می‌شدند و برایش جان می‌دادند؛ من گاهی اعتراض می‌کردم بگویند برادر علی یا علی آقا، اما خودش به حدی متواضع و افتاده بود که اصلاً این مسائل برایش مطرح نبود. در مقابل خانواده شهدا و کسانی که به انقلاب خدمت می‌کردند نیز بسیار افتاده‌حال بود، اما با وجود این روحیه در مقابل دشمن بسیار سرسخت و جسور بود. به‌طوری که در یکی از سخنرانی‌هایش خطاب به کسانی که گاهی شیطنت می‌کردند، می‌گفت ما اگر قرار بود از این کارها بکنیم، آمریکا را از این کشور بیرون نمی‌کردیم. درواقع می‌توانم بگویم که این شهید عزیز نمونه واقعی آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بود.

این مبارز انقلابی ادامه داد: این عزیز بزرگوار براساس الگوهای اسلام عمل می‌کرد؛ وقتی با دشمن می‌جنگید اُشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ بود و اگر همان دشمن اسیرش می‌شد، با او مثل یک برادر رفتار می‌کرد. خاطرم است که یکی از افسران عراقی را به او داده بودند که اطلاعات بگیرد، آن‌قدر با علی آقا و بچه‌هایش مأنوس شده بود که وقت رفتن گریه می‌کرد. یعنی علی آقا این‌طور بود که دشمنی که با او در میدان جنگ می‌جنگید، با دشمنی که اسیر او بود، تفاوت داشت و این‌ها براساس دستور اسلام بود.

جام‌بزرگ تصریح کرد: شهید چیت‌سازیان بسیار ریزبین بود، ایشان در یکی از سخنرانی‌های معروف خود گفته «کسی می‌تواند از سیم خاردارهای دشمن عبور کند که در سیم خاردارهای نفس خود گیر نکرده باشد»؛ این جمله ناظر به تزکیه است. این حرف یک بسیجی و پشتوانه آن اعتقاد داشتن به خداوند متعال بوده، چراکه خدای متعال فرموده است (إِنَّ تَقْوًا اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا) وقتی شما تزکیه نفس داشته باشید، خداوند تشخیص حق و باطل را برایتان راحت می‌کند. این خودسازی و تزکیه نفس باعث ماندگاری شهید چیت‌سازیان شده است.

خشم و خنده شهید چیت‌سازیان برای رضای خدا بود

وی توضیح داد: البته گاهی هم در مورد این

شهید بزرگوار مسائلی عنوان می‌شود یا وقتی در قید حیات بود عنوان می‌شد که خودش می‌گفت راضی نیستم این موارد را بگویند؛ مثلاً می‌گفتند او می‌رود سر عراقی‌ها را می‌برد! اصلاً کار ایشان این نبود. اگر افتخار کردن به این کار مهم و اصل باشد، داعشی‌ها که بیشتر این کار را کرده‌اند! هدف شهدا کشتن آدم نبود، پیروزی بر کفر بود. بر همین اساس خشم و خنده شهید چیت‌سازیان برای رضای خدا بود.

مثل یک ابر بهار برای فرزند شهید گریه می‌کرد
این رزمنده دوران دفاع مقدس اذعان کرد: بعد از عملیات والفجر پنج که در چنگوله انجام شد، به همراه شهید چیت‌سازیان و آیت‌الله فاضلیان به خانه شهید منصوری‌پور رفتیم، او یک فرزند نوزاد داشت، علی آقا این نوزاد را بغل کرده بود و مثل ابر بهاری گریه می‌کرد و تا چندروز حال خوبی نداشت. کسی که در مقابل کفر آن‌طور شجاع و سخت است، ببینید در مقابل فرزند یک شهید چقدر لطافت دارد؛ همه این‌ها نشان می‌دهد رفتارهای او برای رضای خدا بود.

گل کرد و صاحب نام شد
جام‌بزرگ ابراز کرد: وقتی او به مرخصی می‌آمد، فقط یک شب در خانه خودش بود و بقیه روزها را با بیمارستان بود یا در مناطق پایین شهر به خانواده محرومان سرکشی می‌کرد. یادم می‌آید بعد از والفجر دو که در حاج‌عمران عراق انجام شده بود، آبان‌ماه بود و هوا سرد؛ صبح زود از حاج‌عمران حرکت کردیم و همه پشت تیوتوپا بودیم، به غیر از راننده دو نفر هم می‌توانستند جلو بنشینند، علی آقا دید بچه‌ها عقب نشسته‌اند، خودش هم آمد نشست و گفت وقتی بچه‌ها اینجا هستند، من چرا جلو بنشینم؟ از کردستان رد شدیم و به کرمانشاه رسیدیم که نیروهای تأمین امنیت جاده‌ها از ساعت پنج به بعد به پایگاه‌هایشان می‌رفتند، در آنجا پلیس جلوی ما را گرفت و گفت احتمال اینکه گروه‌های کومله دمکرات حمله کنند، هست و ما به طرف همدان برگشتیم. در سه‌راهی همدان- صالح‌آباد باران می‌آمد، شب شده و هوا سرد بود که پتو کشیدیم روی سرمان و گفتم شب را به همدان برویم و در خانه‌هایمان استراحت کنیم. تا ما این مسئله را عنوان کردیم، ناراحت شد و گفت همین‌جا می‌مانیم. ما به خانه‌هایمان برویم، بچه‌های شهرستان چکار کنند؟ گفتیم آن‌ها را هم می‌بریم، گفت شما خانواده‌هایتان را می‌بینید این بچه‌ها چه کنند؟ تا این حد دقیق بود و توجه داشت و همین هم باعث شد گل کند و صاحب‌نام شود.



سربگیر شوخی‌ها هم خودش بود!

وی در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه حق و باطل از زمان هابیل و قابیل بوده، هست و ادامه خواهد داشت و شهدا ستاره‌های نجات بوده و بهترین الگو هستند، افزود: البته این‌طور هم نبود که شهدا تمام اوقاتشان به عبادت و راز و نیاز بگذرد، خنده و شوخی هم داشتند، اما به‌جا قطعاً در همه‌جا خدا را می‌دیدند، جالب است بدانید که خود علی آقا سربگیر شلوغ‌کاری‌ها در جبهه بود، محیطی هم برای بچه‌ها آماده کرده بود که مسابقات تیراندازی، دو، ورزش باستانی، گل کوچک و والیبال برگزار می‌شد و خودش پیش‌قدم بود؛ این‌طور بود که در تمام ابعاد خودش و بچه‌ها را پرورش می‌داد.

او یک انسان زمینی بود که روی خودش کار کرده و مورد توجه خداوند قرار گرفت
علی‌اکبر امیرپور نیز با اشاره به اینکه سال ۱۳۶۱ با شهید آشنا شده و حدود پنج سال با او بوده است، بیان کرد: پیش از تشکیل یگان انصارالحسین (ع) و قبل از آغاز جنگ، علی آقا مسئول آموزش سپاه همدان بوده، چون جوان جسور و خوش‌فکری به حساب می‌آمده

خبر

«علی آقا» در کلام هم‌زمان و دوستانش؛

درخشش شهید چیت‌سازیان به‌واسطه شجاعت، تدبیر ومعنویت او بود

محسن جام‌بزرگ: هیچگاه به نیروهایش دستور نمی‌داد، در همه کارها پیشگام و همراه بچه‌ها بود

حجت‌الاسلام حمید ملکی: ۹۰ درصد کار او در جبهه انسان‌سازی بود و ۱۰ درصد در جبهه نظامی؛ بااین‌حال شجاعتش زبانزد بود

علی‌اکبر امیرپور: کوره جهاد آهن و جود علی آقا را آنبیده کرد و محبوبیت و شهادت او مزد اخلاصش بود



و مؤلفه‌های مسئول

اطلاعات را داشته؛

شهیدهمدانی یگان

انصارالحسین (ع) را که

تشکیل می‌دهد، او را

به‌عنوان مسئول اطلاعات

یگان انتخاب می‌کند.

وی افزود: هر کسی را

که خدا عزیز کند، هیچ‌کس

نمی‌تواند خوارش کند؛ خداوند

به‌خاطر اخلاصی که او در عمل

داشت، مزدش را در این دنیا

محبوبیت بین خلق‌الله قرار داد.

نیروی شهید چیت‌سازیان گفت: شهدا افراد

عادی بودند که روی خودشان کار کردند، آن‌ها نه

آسمانی بودند و نه زمینی که به آسمان برسند،

هر دوی این حرف‌ها غلط است، آن‌ها زمینی

بودند که روی خودشان کار کرده و مورد توجه

خداوند قرار گرفتند و به آن‌ها عزت داد.

امیرپور تصریح کرد: ما این را نباید از یاد ببریم

که شهید چیت‌سازیان در کوره‌ای مثل جهاد

ساخته شد؛ آهن زمانی شکل می‌گیرد که به داخل

کوره برود، کسی که به یاد مرگ است و ایثار دارد،

تربیت می‌شود. امثال ما چون ایثار نمی‌کنیم،

تربیت هم نمی‌شویم؛ بنابراین اینکه فکر کنید

شهید رفته سطوح مختلف حوزه و دانشگاه را

خوانده که به شهادت رسیده، این‌طور نیست. اگر

آدمی در کوره‌های مختلف حوادث رفت و آنبیده

شد، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و خداوند

او را عزیز می‌کند، مثل علی آقا که بعد از ۳۰ سال

گردوغبار کنار می‌رود و دوباره معرفی می‌شود.

بسیار صادق بود و مراقبه داشت

وی اذعان کرد: نکته‌ای که درخصوص شخصیت ایشان در خاطرم مانده این است که

وقتی صحبت می‌کرد که شوخی و مبالغه‌ای (مثل همه ما که شوخی و اغراق در کلامان هست) در آن بود، بلافاصله به حرفش اضافه می‌کرد که اینجا غلو کردم و این‌طور نبود! ببینید داشتن این خصوصیت یک‌روزه و یک‌شبه نیست، انسان باید و بهترین الگو هستند، افزود: البته این‌طور هم نبود که شهدا تمام اوقاتشان به عبادت و راز و نیاز بگذرد، خنده و شوخی هم داشتند، جالب است و قطعاً در همه‌جا خدا را می‌دیدند، جالب است بدانید که خود علی آقا سربگیر شلوغ‌کاری‌ها در جبهه بود، محیطی هم برای بچه‌ها آماده کرده بود که مسابقات تیراندازی، دو، ورزش باستانی، گل کوچک و والیبال برگزار می‌شد و خودش پیش‌قدم بود؛ این‌طور بود که در تمام ابعاد خودش و بچه‌ها را پرورش می‌داد.

این رزمنده دفاع مقدس با تأکید بر اینکه عزت و دلت دست خداوند است و خداوند گفته ما به لقمان حکمت دادیم، توضیح داد: شخصیت‌هایی مثل شهید چیت‌سازیان این‌طور بودند که خداوند سینه‌هایشان را وسیع می‌کرد. سینه‌ای که دنیایی است، نمی‌تواند به جایگاه شهید برسد؛ خداوند آن‌ها را را انتخاب و نگاهشان کرده بود و درنهایت هم مزد اخلاصشان را گرفتند.

ویژگی ممتاز او جذب حداکثری جوان‌ها بود

حجت‌الاسلام حمید ملکی نیز گفت‌وگوی خود را این‌طور آغاز کرد: علی آقا از نیروهای شهید حسن مرادی بود که در عملیات ۱۱ شهریورماه با جمعی از نیروهایش به شهادت رسید و برخی از نیروهایش هم اسیر شدند. یکی از کارهای خوب

عرفانی رزمنده‌ها برایش اهمیت بیشتری داشت. شهید چیت‌سازیان در تربیت نیروهایش، متذکر شد: نیروهای علی آقا بعد از سی و چند سال که از شهادت او و سال‌های جنگ می‌گذرد، همچنان آن روحیات را دارند و ایشان بنیان این قصه را به حدی محکم بنا کرده که در همبستگی شاگردان و نیروهایش مشهود است، به‌طوری که مثلاً اگر یکی از بچه‌های اطلاعات عملیات مشکل مالی پیدا کند، همه باهم بسیج می‌شوند تا مشکل او را حل کنند و مودت بین آن‌ها به عشق علی آقا محکم‌تر و قوی‌تر از سال‌های قبل است. ببینید این یک پدیده بوده و نیازمند کار تحقیقی است که علی آقا با شاگردان خود چه کرده که به عشق او بعد از چند سال همراه و مراقب همدیگر هستند.

برای فرسایشی نشدن روحیه نیروهایش حساب‌شده عمل می‌کرد
حجت‌الاسلام ملکی با بیان اینکه عملکرد فرهنگی شهید چیت‌سازیان می‌تواند دست‌مایه مستند، فیلم، کتاب و رساله دکتری قرار گیرد، افزود: سؤال این است گاهی که باید چند ماه منتظر عملیات می‌ماندیم، او چه کار می‌کرد که روحیه نیروها تضعیف و روند فرسایشی نشود؟ چطور آن‌ها را مقاوم و بانگیزه حفظ می‌کرد؟ کار هنرمندانه‌اش با چه تدبیری همراه بود تا فضای

آنجا را تازه نگاه دارد؟

وی ادامه داد: وقتی علی آقا حس می‌کرد روند فرسایشی شده و از عملیات خبری نیست، اردوی زیارتی راه می‌انداخت، ابتدا برنامه قم و دیدار با علما می‌گذاشت، با شور و شعفی که داشت در اردوها معنویت و اشک و آه را با اقتضائات جوانان ممزوج می‌کرد و شرایط به‌گونه‌ای بود که همان‌طور که دوستان دوست داشتند در منطقه و خطرناک‌ترین جاها کنار علی آقا باشند، دوست داشتند در اردوها نیز کنار ایشان باشند. بعد از اردوی قم بچه‌ها را خدمت آقای فاضلیان می‌برد و از محضر ایشان استفاده می‌کرد. با نیروهایش به خانواده شهدا سرکشی می‌کرد و یکی از کارهای اصلی‌اش این بود که به همه خانواده‌های شهدای واحد اطلاعات عملیات سر بزند تا هم باعث تقویت روحیه پدر و مادر شهید شده و هم تجدید عهدی برای بچه‌ها باشد، خودش سخنرانی حماسی می‌کرد و مراسم با توسل و حالات معنوی و عرفانی خاتمه پیدا می‌کرد. بعد از این برنامه‌ها نیز اردوی مشهد برگزار می‌کرد و کاملاً به اوضاع اشراف داشت. این استاد حوزه توضیح داد: با جدیت می‌توان این را گفت که در طول جنگ ۹۰ درصد کار علی آقا تربیتی، اخلاقی، معنوی و انسان‌سازی بود و ۱۰ درصد نظامی. البته نه به این معنی که جنگ نمی‌کردند! اتفاقاً شهید چیت‌سازیان نیروهایش شجاع‌ترین افراد بودند و به دل سختی و خطر می‌زدند، اما او عقبه این کار را مهم‌تر می‌دید و ر و حیه



علی با شاگردان خود چه کرده که به عشق او بعد از چندسال هنوز مثل همان روزها هستند؟

حجت‌الاسلام ملکی با اشاره به کار عمیق شهید چیت‌سازیان در تربیت نیروهایش، متذکر شد: نیروهای علی آقا بعد از سی و چند سال که از شهادت او و سال‌های جنگ می‌گذرد، همچنان آن روحیات را دارند و ایشان بنیان این قصه را به حدی محکم بنا کرده که در همبستگی شاگردان و نیروهایش مشهود است، به‌طوری که مثلاً اگر یکی از بچه‌های اطلاعات عملیات مشکل مالی پیدا کند، همه باهم بسیج می‌شوند تا مشکل او را حل کنند و مودت بین آن‌ها به عشق علی آقا محکم‌تر و قوی‌تر از سال‌های قبل است. ببینید این یک پدیده بوده و نیازمند کار تحقیقی است که علی آقا با شاگردان خود چه کرده که به عشق او بعد از چند سال همراه و مراقب همدیگر هستند.

علی آقا یک انسان معمولی بود، اما معمولی‌ای که از فرصت‌ها استفاده کرد

وی در ادامه خاطرنشان کرد: ببینید با تمام کارهای بزرگی که او انجام داده، باید بپذیریم که یک انسان عادی بود، اما متفکر بود؛ او برای ماندگاری و استقامت بچه‌ها فکر می‌کرد و برنامه داشت، ایشان هیچ‌وقت واحد اطلاعات عملیات را از روحانیت خالی نکرد، همیشه تأکید می‌کرد یک روحانی کنار بچه‌ها باشد تا نماز جماعت برگزار شده و پاسخ به سؤالات و احکام شرعی داده شود. این کار ساده است، اما تدبیر، ایمان و باور می‌خواهد. ایشان به ارزش‌های الهی، ارتباط گرفتن با علمای بزرگ همدان مثل آیت‌الله تاهئی، آیت‌الله موسوی همدانی، آیت‌الله فاضلیان و رشد و تزکیه باور داشت. این مسئله فوق‌العاده بودن نمی‌خواهد، خلوص و معنویت می‌خواهد که علی آقا این عنصر را داشت. اینکه مراقب خانواده‌های شهدایی باشد که فرزندانشان در اطلاعات عملیات به شهادت رسیده‌اند، تدبیر می‌خواهد که با برنامه‌ریزی فراموششان نکند. معاون تہذیب و تربیت حوزه‌های علمیه

کشور در ادامه عنوان کرد: علی آقا یک انسان معمولی بود، اما معمولی‌ای که از فرصت‌ها استفاده کرده، تدبیر می‌کرد، متواضع بوده، به روحانیت علاقه‌مند بود و نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت ارادت داشت، این موارد کاملاً دست‌یافتنی است، در کنار این‌ها شجاعت هم داشت که یک امر ذاتی بوده و شاید هر کسی شجاعت‌هایش را نداشته باشد. اما مابقی ویژگی‌هایش دست‌یافتنی است. همین الان در همدان افراد زیادی هستند که دارای این ویژگی‌ها هستند، اما گمان‌اند و دیده نمی‌شوند یا فرصت به آن‌ها داده نمی‌شود. امثال شهید چیت‌سازیان جوانانی بودند که انقلاب به آنان فرصت داد خودشان را نشان دهند، نشان دادن نه به معنای خودنمایی، بلکه به این معنا که استعدادهایشان را به میدان بیاورند و شکوفا کنند. امروز الگو گرفتن از علی آقا و علی‌آقاها نیازمند این است که بزرگان ما برای جوانان فرصت ایجاد کنند، افراد گمنام اما توانمندی که نیاز است دوربین‌ها را به سمتشان ببریم و نشانشان دهیم.

حجت‌الاسلام ملکی در خاتمه سخنان خود اذعان کرد: پیشنهادم این است در مورد شهید سعید اسلامیان که یک شخصیت ویژه خاص بود و علی آقا در مقابل او دوزانو می‌نشست و می‌گفتم چرا این‌قدر تواضع می‌کنی می‌گفت من او را استاد و در مقابل او دوزانو می‌نشست خودم می‌دانم، یا شهید حسن ترک که یک شخصیت علمی فرهنگی بود که به جنگ رفت و شاهکار کرد، شهیدشهبازی، شهیدهمدانی و بسیاری از شهدای همدان کار کنید، مستند و کتاب و فیلم ممکن است یک‌بعدی باشد، درحالی که این شهدا چندوجهی هستند. انسان‌های توانستند با تواضع و اخلاص کاری بکنند کارستان و برای ما الگو باشند.

